

دکتر سیدحسن حسینی ابری

دانشگاه اصفهان

«بشاگرد» فقر محیطی یا فراموش شدگی سیاسی؟

Dr. S.H. Hosseini Abari

University of Isfahan

Why Bashagerd is not a Developed Area?

In this article, the reader will first be provided with a brief account of Bashagerd, an area in southeast Iran between Hormozgan and Kerman provinces, in the past. Discussing the adverse social and economic conditions, the author explains that the area has 900 villages with a population of 75000. It has the rainfall of 600 mm, with a mild climate. 10% of the existing lands is cultivatable.

Ten years ago, there was only 20 km road suitable only for motorcycles. The people were poor, and not enough food was available, life expectancy at birth was very short, and labor force was badly exploited.

The article then explores into the reasons the area has been left unnoticed during all the past years. Among the factors contributing to this adverse situation, the governmental policy toward the deprived remote areas was of the prime importance.

ناحیه بشاگرد، در جنوب شرقی ایران بین 27° و 25° و 50° و 26° عرض شمالی و 20° و 57° و 38° و 58° طول شرقی از نصف النهار گرینویچ و بین خط الرأس کوههای بشاگرد و ساحل دریای عمان در استانهای هرمزگان تحت پوشش فرمانداریهای میناب و جاسک و کرمان (شهرستان کهنوج) قرار گرفته است.^۱

مساحت ناحیه در حدود ۱۶۰۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن بر اساس سرشماری عمومی سال ۱۳۶۵ کل کشور در حدود ۴۸۸۰۰۰ نفر است که در ۴۵۶ واحد جمعیتی بدون جامعه شهری زندگی می کنند.^۲ این ناحیه از محرومترین مناطق کشور محسوب می شود، با تمامی سه بعد محرومیت، یعنی محرومیت خانوادگی و نداشتن ممر معاش، محرومیت اجتماعی، یعنی نداشتن ضروری ترین خدمات اولیه اجتماعی و نیز فقدان دسترسی به مناطق شهری، اقتصادی و اجتماعی اطراف. از این رو از سال ۱۳۶۱ که اولین بار نام بشاگرد به گوشها رسید و پای بعضی خیرین و مقامات مملکتی به آنجا باز شد این ناحیه را آفریقای ایران، بیافرای ایران و جایی که از مردم آنجا دود برمی خیزد نامیدند.^۳

در این مقاله کوشش شده است تا اولاً گوشه هایی از ابعاد این محرومیت به زبان ارقام بازگو شود. ثانیاً معلوم شود که آیا بشاگرد واقعاً سزاوار این فقر و محرومیت هولناک هست یا این که پتانسیلهای محیطی آن اجازه رفع محرومیت آن را تاکنون نداده است؟ لذا مقاله تقدیمی شامل مباحث زیر خواهد بود:

- ۱- تجسم سیمای عمومی ناحیه
- ۲- چکیده مطالعات محلی نگارنده (سال ۱۳۶۹)
- ۳- وضع تغذیه ساکنین
- ۴- شناخت پتانسیل طبیعی ناحیه
- ۵- نتیجه گیری

الف- تجسم سیمای عمومی ناحیه:

بر اساس نقشه ۱:۲۵۰۰۰۰ ناحیه ویژگیهای زیر جلب توجه می کند:^۴

- (۱) منطقه فاقد مراکز جمعیت شهری است.
- (۲) تعداد مزارع و نخلستانها انگشت شمار است.
- (۳) فاقد راه شوسه بوده و راهها عموماً مالرو است.
- (۴) تعداد قبرستانهای ثبت شده بر روی نقشه بیش از تعداد آبیادهای موجود در

آن است.

در سال ۱۳۶۵ نیز سیمای آماری ناحیه چنین بوده است: ۵

۱- در مجموع ۱۶۰۰۰ کیلومتر مربع وسعت ناحیه، در سال ۱۳۶۵ حتی یک کیلومتر جاده شنی و آسفalte وجود نداشت و عموماً جاده‌های ناحیه از نوع جاده‌های درجه ۶ و ۷ بود. ۶

۲- در کل ناحیه فقط ۳ واحد جهاد سازندگی در نیمه غربی آن، در فاصله نزدیک به مراکز شهری استقرار یافته بود. ۷

۳- مراکز خدمات روستائی تنها در یک روستا و در مجاورت واحد جهاد سازندگی مستقر شده بود.

۴- از انواع مدارس بالای سطح ابتدائی یک باب مدرسه راهنمائی در نزدیکترین روستای ناحیه به شهر میناب احداث شده بود.

۵- تنها یک واحد دامپزشکی در ناحیه ثبت شده بود (در کنار سایر مراکز یاد شده در بالا).

۶- در هیچیک از روستاها برق وجود نداشت.

۷- تنها برای ۱۱ روستا لوله کشی آب ثبت شده بود. آنهم در صورت صحت آمار عموماً لوله بدون آب بود. ۸

۸- در کل ناحیه ۲ باب حمام عمومی گزارش شده که تنها یک باب دایر بود. ۹

۹- تنها در یک روستا خانه بهداشت وجود داشت.

۱۰- در کل ناحیه ۳ باب مرکز بهداشتی وجود داشت که در هیچ یک از آنها پزشک مقیم یا پاره وقت حضور نداشت. ۱۰

۱۱- تنها ۱۲ روستا از ۶۵۴ روستای مسکون ناحیه به وسایط نقلیه دسترسی داشتند. توضیح این که هیچ گونه وسیله نقلیه عمومی در این ناحیه تردد نمی کرد.

۱۲- هیچیک از روستاهای ناحیه به تلفن و دیگر وسایل ارتباط دور دسترسی نداشتند و هنوز هم ندارند. ۱۱

۱۳- طی ۱۰ سال از سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵، از تعداد ۶۵۴ روستای ناحیه ۱۵۹

روستا از سکنه خالی شده بود و ۱۵۶ روستا نیز فاقد آب و زمین گزارش شده است.
 ۱۴ - مطالعه محلی روستاهای نمونه گیری شده این نکته را به اثبات می‌رساند که اصولاً روستاهای ناحیه دارای اقتصاد خود معیشتی بوده و ارتباطی با سایر مناطق، همجوار نداشته اند.

۱۵ - وضعیت اشتغال در سطح بسیار پایین قرار داشته و اصولاً بیکاری فصلی و اختیاری در ناحیه کاملاً گسترده بود.

۱۶ - فقر و گرسنگی در ناحیه فراگیر بود و دسترسی به مواد غذایی از خارج به دلیل پرهزینه بودن امکان پذیر نبود.

۱۷ - خوراک عمومی مردم ناحیه بشاگرد عبارت بود از مقداری آرد تهیه شده از هسته خرما و بذر ذرت علوفه ای که در محل تولید می شد.

۱۸ - در کل ناحیه متوسط خانوار ساکن هر روستا ۱۹ خانوار و تنها ۱ روستا دارای جمعیتی بیش از ۲۰۰ خانوار بوده است. که البته در این میان ۱۹٫۳ درصد روستاهای ۱ تا ۴ خانواری، ۷۲٫۵ درصد زیر ۵۰ خانواری و تنها ۱٫۸ درصد بیش از ۱۰۰ خانوار جمعیت داشتند.

۱۹ - از کل جمعیت ۲۵ ساله و یا بالاتر ناحیه بیش از ۹۸ درصد بیسواد بودند. از کودکان نیز ۵۶٪ نمی‌توانستند به مدرسه بروند. ۱۲

۲۰ - اما در کل ناحیه تعداد ۷ پاسگاه انتظامی وجود داشت که بیشترین تعداد سازمانهای دولتی موجود در ناحیه را تشکیل می‌داد و اگر وضع به همین منوال پیش می‌رفت به تعداد زیادتری از این پاسگاهها در منطقه نیاز بود. ۱۳

۲ - چکیده مطالعات محلی نگارنده (سال ۱۳۶۹):

در سال ۱۳۶۹ از ۱۴ روستای نمونه گیری شده در ناحیه درابسر (از سر شاخه های رودخانه انگهران) اطلاعات زیر به دست آمد:

۱ - تعداد کل خانوار ۶۹۴ خانوار ۲ - تعداد کل جمعیت ۳۲۹۵ نفر ۳ - دبستان

۹۰ باب ۴ - دانش آموزان پسر و دختر ۵۴۱ نفر ۵ - وسعت اراضی قابل کشت ۲۶٫۵

هکتار ۶ - سطح سبز سالانه ۲ هکتار ۷ - مرکز خدمات روستائی و مرکز جهاد سازندگی نداشته است، ایستگاه دامپزشکی نداشته است، راه شوسه ۴۰ کیلومتر، خانه بهداشت نداشته است، برق نداشته است و آب لوله کشی در هیچ یک از روستاها وجود نداشته است. تعداد کل نخل خرما در کل ۱۴ روستا ۱۸۲۷۵ اصله بود و جمع کل دامهای ۱۴ روستا عبارت بود از ۳۳۵۹ رأس بز و ۳۰ رأس گاو.

بر اساس این مطالعات سرانه زمین قابل کشت در مجموع روستاهای نمونه گیری ۸۱ مترمربع، سرانه سطح زیر کشت سالانه تنها ۳ مترمربع، سرانه تعداد دام (بز) تنها ۱ رأس و سرانه نخل خرما ۲/۵ اصله بود.

۳- وضع تغذیه ساکنین:

از لحاظ کالری دریافتی روزانه، در بهترین شرایط، هر فرد از ساکنین روستاهای نمونه (که در بهترین شرایط منطقه بسر می‌برند) اقلام زیر را در جیره غذایی روزانه خود انتظار دارند.

۱- خرما حدود ۴۰ گرم به مدت ۶ ماه، ۲- نان ۱۰۰ گرم ۳- گوشت هر ماه یک بار حدود ۵۰ گرم، ۴- باقلا زرد ۳۰ گرم، ۵- برنج بندرت، هر بار ۱۰۰ گرم. اقلام یاد شده بدون تنوع، جیره غذایی عموم ساکنین را تشکیل می‌داد. اما برخی مکملهای غذایی نیز از قبیل بلغور، هسته خرما، بذر سرقم و پاره‌ای علوفه و ریشه گیاهان وحشی ناحیه نیز بطور مستمر در جیره غذایی آنان قرار دارد که در جداول جیره غذایی مقدار پروتئین و یا کالری دریافتی مربوط به این اقلام مشخص نشده است.

از مطالعه جیره غذایی اهالی ناحیه چنین برمی‌آید که هر فرد بشاگردی روزانه انتظار ۷۱۷/۶ کالری مواد غذایی، یعنی کمتر از $\frac{1}{4}$ کالری مورد نیاز بدن خود، همراه با نزدیک به ۴۲ گرم پروتئین را دارد. ۱۴

نتیجه این جیره غذایی، آسیب پذیری شدید انسان در مقابل بیماریها، کوری، پیری زودرس و دیگر مسائل حیات بشری است. این آسیب پذیری را با دو نمونه از

ایدمیها و تلفات و مشکلات حاصل از آنها تکمیل می کنیم.

در سال ۱۳۷۰، بیماری سرخک در ۴ روستا ناحیه بیش از ۳۲ نفر را به کام مرگ فرو برد. در روستای گشیراز، از ۵۰ خانوار ساکن روستا، ۱۲ خانوار به علت ابتلاء به بیماری جذام از سایرین جدا شده اند.^{۱۵}

۴- شناخت پتانسیل طبیعی ناحیه:

ارتفاعات ناحیه که بیش از ۹۰٪ وسعت آن را پوشانده اند دنباله ارتفاعات زاگرس می باشند. تحت تأثیر پوسته های مقاوم عمان و کویر مرکزی ایران چهره این ارتفاعات از صورت منظم ساختمانی و چاله ها و دشتهای بین آنها در رشته اصلی، جای خود را به توده های درهم و چین خورده پُر گسل داده است.^{۱۶}

محور چین خوردگیها در جنوب میناب، شمالی - جنوبی و به سمت مشرق بتدریج شرقی و غربی می شود. با وجود آن که در حال حاضر این ناحیه، نیمه خشک و خارج از بستر طغیان آبهاست، ولی تخریب مکانیکی عامل اصلی دگرگونی آن می باشد.

سیمای عمومی نقشه زمین شناسی ناحیه حاوی ماسه سنگهای مطبق یکنواخت به همراه لایه های نازک شیل، ماسه سنگ ضخیم و رخساره شیل، ماسه سنگ با آهک و کنگلومرا، شیل سیلیسی خاکستری با ماسه سنگ، ماسه سنگ و شیل با لایه های بلند منظم به همراه آهک و کنگلومرا است.^{۱۷}

سستی نسبی مجموعه رسوبات ناحیه در مقابل فرسایش آبهای روان باعث تخریب و در نتیجه فرسایش شدید بستر رودخانه ها و از آب افتادگی پیوسته مزارع از آب و نیز پستی ارتفاعات شده است. بطوری که مرتفعترین قله ناحیه، از ۲۱۶۰ متر تجاوز نمی کند.^{۱۸}

اقلیم ناحیه

چون در گذشته دسترسی به درون ناحیه همواره با اشکال مواجه بوده است، لذا

سابقه استقرار ایستگاههای هواشناسی مانند دیگر اقدامات انسانی چندان طولانی نیست. تنها دو ایستگاه کیلیماتولوژی یکی به نام ایستگاه شاهین با سابقه ۹ سال (در سردشت) و ایستگاه انگهران با ۴/۵ سال سابقه (در بخش مرکزی ناحیه) در بشاگرد تأسیس شده است. ۱۹ به همین دلیل اطلاعات و آمار مربوط به این بخش از شرایط طبیعی ناحیه بناچار متکی بر داده‌های ایستگاههای فوق بوده و تصویری اجمالی از اقلیم را نشان می‌دهد.

از نظر تأثیر توده‌های هوایی بر روی اقلیم، این ناحیه در فصل زمستان تا خرداد ماه تحت تأثیر توده‌های هوایی غربی و اغتشاشات هوایی شمال غربی است و در فصل تابستان تحت تأثیر توده‌های موسمی و از اواخر تابستان توده‌های هوایی شمال و شمال غربی آن را تحت تأثیر قرار می‌دهند. میانگین دمای سالانه که تأثیر محسوسی بر بخش کشاورزی و تحولات ژئومورفولوژیکی منطقه دارد، حائز اهمیت ویژه‌ای است.

این میانگین بر اساس ارقام ایستگاههای فوق ۲۴/۴ درجه سانتی‌گراد است که در سالهای مختلف بین ۲۳/۳ تا ۲۵/۳ درجه در تغییر بوده است. معدل حداقل دمای منطقه در دیماه از ۸/۸ درجه سانتی‌گراد کمتر نیست و چون آستانه‌های حرارتی برای محصولات کشاورزی معمولاً کمتر از این مقدار است، لذا این معدل دما تأثیر منفی چندان در برنامه‌ریزی‌های عمران کشاورزی ناحیه ندارد. ۲۰

در سابقه آماری ایستگاههای اقلیمی ناحیه کمترین میزان متوسط حداقل حرارت ۸/۲ درجه سانتی‌گراد مربوط به ژانویه و بیشترین آن ۳۹/۴ درجه و مربوط به تیرماه است. حداکثر مطلق دما ۴۵/۵ درجه در تیرماه و حداقل مطلق آن ۳ درجه سانتی‌گراد در دیماه می‌باشد. ۲۱

متوسط سالانه رطوبت نسبی ناحیه ۴۷/۹٪ و در زمستان بیش از ۶۰٪ است. اما در فصل بهار این نسبت کاهش می‌یابد و در تابستان با ورود توده‌های هوای موسمی به ۵۰٪ می‌رسد. در فصل پاییز، حالت متعادلی از رطوبت نسبی وجود دارد و در اواخر فصل مذکور این متوسط به حدود ۵۹٪ می‌رسد. ۲۲

بارندگی :

در ناحیه بشاگرد میزان بارندگی سالانه به نسبت افزایش ارتفاع (بر اساس آمار ایستگاههای اقلیمی شاهین و انگهران) بین ۲۳۶ و ۳۰۸ میلیمتر در نوسان است. اما توزیع بارندگی بر روی ماههای سال نشان می دهد که در سالهای آمارگیری شده ماههای زمستان و بهار هر یک با ۲۴/۱۸٪ تا ۲۵/۳۲٪ کل بارندگی سالانه پرباران ترین ماهها و خرداد و مهرماه بدون بارندگی خشکترین ماههای سال است. در سایر ماههای سال بطور متوسط دی ماه با حدود ۲٪ و شهریور ماه با حدود ۱۳٪ کل بارندگی سالانه ناحیه در درجات بعد قرار دارند. ۲۳

تغییرات سالانه بارندگی در ناحیه :

ارقام ایستگاههای مجاور، (میناب، جاسک، منوجان، جگین) که سابقه آماری بیشتری درباره پارامترهای مختلف اقلیمی دارند، حاکی از این واقعیت است که قبل از سال ۱۹۷۶ در این ناحیه دوره خشکی وجود داشته که کمی کمتر از ۱۰ سال بطول انجامیده است. ۲۴ یعنی دوره خشکی قبل از ۱۹۷۵ آغاز و در سال ۱۹۸۰ پایان یافته است. متعاقب آن از سال ۱۹۸۰ دوران مرطوب آغاز شده که میزان بارندگی بالای حد میانگین ناحیه بوده است. البته پائین ترین مقدار در سال ۱۹۸۰، ۱۵۹ میلیمتر و بالاترین در سال ۱۹۸۲، ۶۱۰/۶ میلیمتر بوده است. ۲۵

توزیع بارندگی در فصول مختلف سال :

۷۱/۷ درصد بارندگیهای سالانه در فصل زمستان، ۱۶/۳۶ درصد در فصل پاییز، ۷/۵۵ درصد در فصل بهار و ۴/۴۵ درصد بارندگی در فصل تابستان است. ۲۶

شدت بارندگی :

شدت بارندگی در اغلب ماههای باران دار ناحیه روزانه از ۱۲ میلیمتر بیشتر و

حداکثر آن در اردیبهشت ماه به بیش از $20/5$ میلیمتر می‌رسد. میانگین بارشهای حداکثر ۲۴ ساعته در ایستگاه شاهین به $47/8$ میلیمتر می‌رسد که رقم بسیار بالاتری است. این حداکثر در ژانویه ۱۹۷۵ به $78/2$ میلیمتر و در مارس ۱۹۸۲ به $87/2$ میلیمتر و حداقل آن در فوریه ۱۹۸۰ به 16 میلیمتر رسید. زمان تمرکز سیلابها در رودخانه انگهران ۲۲ ساعت و در بعضی از سرشاخه‌های آن ۱۰ ساعت است (رودخانه درابسر).^{۲۷} ضریب روان آب در نقاط مختلف حوضه بین ۴۹ تا ۵۲٪ است. بطوری که در رودخانه انگهران حداکثر دبی لحظه‌ای در یک دوران بازگشت ۲ ساله، ۱۹۲ متر مکعب و در یک دوره بازگشت ۵ ساله، ۲۸۳ متر مکعب در ثانیه بوده است.

در مورد این مقدار بارندگی چهار احتمال وجود دارد: اول ۱۵۹-۲۲۲ میلیمتر، دوم بین ۲۸۱-۲۲۲، احتمال سوم بین ۵۰۲-۲۸۲ و احتمال آخر ۵۰۲ میلیمتر و بیشتر است. اما احتمال بارندگی بین ۲۸۱-۲۲۲ میلیمتر ناحیه از نوسان کمتری برخوردار است.^{۲۸}

متوسط تبخیر ناحیه بر اساس آمار ۲ ساله ایستگاه انگهران با توجه به درجه حرارت بالای تابستان و رطوبت نسبی سالانه نزدیک به ۵۰ درصد، جمعاً بین حداکثر $2189/25$ میلیمتر و حداقل 1940 میلیمتر در سال است (با استفاده از روش مایر).^{۲۹} آمار ایستگاههای انگهران و کارگاه شاهین که سیمای واقعی تری از ناحیه ارائه می‌دهند، میزان تبخیر و تعرق منطقه را 2690 میلیمتر در سال برآورد کرده‌اند. حداکثر تبخیر در تیرماه معادل $329/6$ میلیمتر و حداقل آن در دسامبر، معادل $82/4$ میلیمتر است.

بررسی سیلابها:

متوسط تعداد روزهای با بیش از 10 میلیمتر بارندگی نشان می‌دهد که هر سال جمعاً $9/4$ بار بارندگی سیل خیز در منطقه اتفاق می‌افتد. این بارندگیها در ماههای فصول بهار و تابستان که عموماً به صورت رگبار است احتمال وقوع سیلاب در ناحیه را افزایش می‌دهند.

در ماههای زمستان نیز به علت نفوذناپذیری جنس زمین و شیب تند ناحیه، آبهای حاصل از بارندگی به صورت رواناب از ناحیه خارج می شوند.

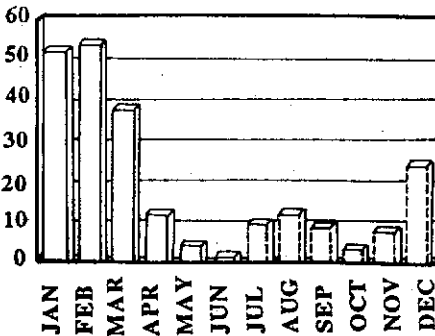
بطور متوسط فقط سرشاخه انگهران (یکی از سرشاخه های رودخانه جگین) در هر ساعت بیش از ۷ هزار متر مکعب آب از ناحیه خارج می کند. خروج آب سالانه حدود ۱۰ بار و هر بار بیش از ۱۰ ساعت طول می کشد. این مقدار متوسط رواناب سالانه در یک دوره بازگشت ۱۰ ساله ۴ متر مکعب در ثانیه خواهد بود. ۳۰

کیفیت آبهای ناحیه:

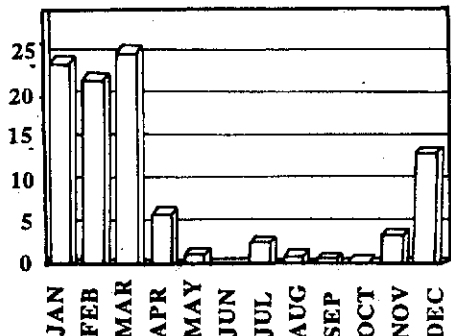
آزمایشاتی که به صورت نمونه از آبهای ناحیه به عمل آمده، آبهای این ناحیه را در حد سالمترین و مناسبترین آبها، برای کشاورزی بویژه کشت غلات و مرکبات نشان می دهد از جمله ویژگیهای آبهای ناحیه:

هدایت الکتریسته آب نمونه برداری شده بین ۶۵۰ تا ۷۰۰ میکروموس، PH آن بین ۷/۶-۷/۷، سختی کل آن ۱۶۵ و سختی موقت آن ۱۵۰ M.g.L می باشد که از نظر کشت مرکبات و نخل خرما بویژه خرما صادراتی مضافتی از انواع آبهای مناسب است. ۳۱

متوسط تعداد روزها بارندگی بیش از ۱۰ میلیمتر میانگین بارندگی ماهانه در ایستگاههای حاشیه بشاگرد
در ایستگاه شامین مجاور خمینی شهر

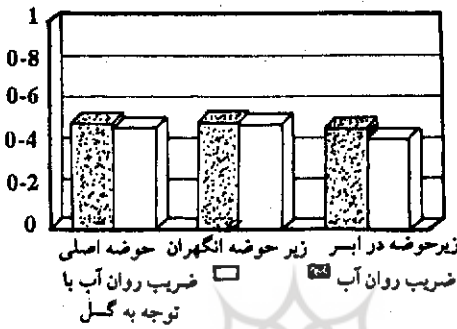


نمودار شماره (۲)



نمودار شماره (۱)

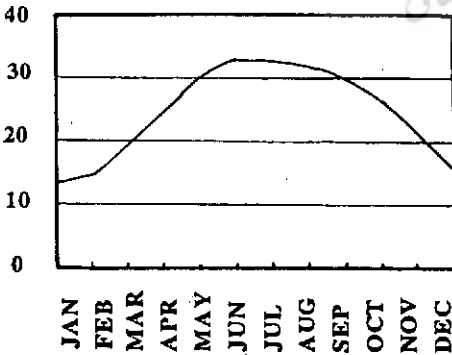
ضریب روان آب در حوضه ها و زیر حوضه های اطراف خمینی شهر



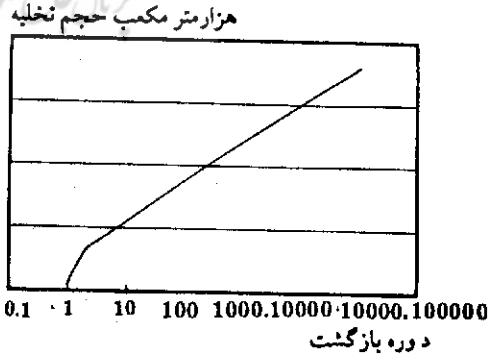
نمودار شماره (۳)

میانگین ماهانه درجه حرارت در حوضه انگهران
(ماههای سال)

محاسبه حجم بارش و رابطه آن با روان آب
در حوضه آبریز رودخانه انگهران



نمودار شماره (۵)



نمودار شماره (۴)

۵- نتیجه گیری:

در کنار شرایط مساعد اقلیمی، جنس خاک و کیفیت آب مطالعات انجام شده نشان می دهد که از منطقه ای به وسعت ۱۰ کیلومتر مربع، با فرض ۲۴۰ میلیمتر بارندگی سالانه و ۳۰٪ رواناب، هر ساله حدود ۸۰۰ هزار متر مکعب آب به دریای عمان می ریزد. ۳۲

محاسبات دیگر گویای این واقعیت است که هر هکتار از اراضی زیر کشت منطقه، اعم از محصولات سالانه یا مرکبات و نخل خرما، از طریق آبیاری غرقابی بطور متوسط نیازمند ۱۰ تا ۱۵ هزار متر مکعب آب در سال است. یعنی با کنترل هرز آبهای هر کیلومتر مربع در سطح کل منطقه به شیوه های سستی، می توان آب لازم برای آبیاری وسعتی بین ۵۵ تا ۸۰ هکتار سطح سبز را به نسبت نوع محصول، فراهم کرد. با این توضیح که این مقدار آب در چرخه آبیاری زنجیره ای، چیزی بیشتر از این مقدار را نیز پاسخگوست. و این در شرایطی است که فقط از سرشاخه رودخانه انگهران (یکی از سرشاخه جگین) در حال حاضر در هر ثانیه ۴ متر مکعب آب هدر می رود. (سالانه ۱۲۶ میلیون متر مکعب) یعنی پتانسیلی بین ۱۰ تا ۱۲ هزار هکتار، سطح زیر کشت مرکبات نخل، غلات، و حبوبات در منطقه.

برای مهار هر متر مکعب آب ناحیه، در صورتی که تمامی مصالح ساختمانی و نیروی انسانی تخصصی از اصفهان و بندرعباس و نقاط دور دیگر فراهم شود، تنها ۱۲ ریال سرمایه گذاری لازم است. یعنی برای ایجاد اشتغال، سکونت و محرومیت زدائی هر خانوار مبلغی حدود یکصد و بیست هزار تومان (یک میلیون و دویست هزار ریال) در یک دوره بازگشت ۱۵ ساله. ۳۳ در آن حالت هر گاه نیمی از اراضی زیر کشت که شامل بستر رودخانه های سرگردان ناحیه است به زیر کشت مرکبات و نخل و نیمی به زیر کشت سایر محصولات برده شود، هر خانوار قادر خواهد بود سالانه بطور متوسط بیش از ۲۰ میلیون ریال درآمد زراعی یا باغی از ناحیه تحصیل نماید. ۳۴ (متوسط تعداد افراد هر خانوار در بشاگرد ۴/۵ نفر است). ۳۵

تجربیات انجام شده در مورد کشت انواع مرکبات در منطقه، مرغوبترین نوع

پرتغال و نارنگی را در بشاگرد به دست داده است. بازده یک درخت ۷ ساله نارنگی حدود ۲۵۰ کیلوگرم و پرتغال نوع تامسون* نزدیک به ۲۸۰ تا ۳۰۰ کیلوگرم است. از نظر نوع خاک نیز ناحیه بشاگرد عموماً فاقد خاکهای عمیق است. ^{۳۶} این خاک برای کشت انواع مرکبات که دارای ریشه های سطحی هستند و بیش از ۵۰ تا ۶۰ درصد ریشه آنها در عمق ۳۰ سانتیمتری قرار دارد و نیز انواع غلات، حبوبات و سرقم منطقه مناسبی است. ^{۳۷}

گندم در بشاگرد حدود ۸۰ روز، سرقم نزدیک به ۶۵ روز و باقلا نیز نزدیک به ۶۵ روز به آبیاری نیاز دارد. یعنی در منطقه می توان سالانه بیش از دو بار محصول به دست آورد. بازده بالای محصولات فوق الذکر در واحد سطح، این ناحیه را از عرصه های بسیار مناسب کشت این محصولات کرده است. ^{۳۸}

بعضی از انواع سبزیجات از جمله: سیر، پیاز، گوجه فرنگی، بادمجان و صیفی جات مانند: هندوانه، خربزه و خیار نیز در این ناحیه بازدهی بسیار خوبی دارد. و این در حالی است که فقط آبهای هرز سرشاخه انگهران و تراسها و بستر بلااستفاده همان سرشاخه قادر است جمعیتی معادل ۱۳۶۰۰ خانوار یعنی ۱/۷ برابر جمعیت فعلی ناحیه جذب کرده و اشتغال، رفاه و ثبات آنها را تأمین کند و ۵۸٪ وسعت باقیمانده ناحیه بشاگرد به عنوان فضای خالی منتظر جمعیت جدید بماند. ^{۳۹} آثار تکمیلی این سرسره گذاری در پیدایش خدمات وابسته در محل و منافع جانبی امکان پرورش دام و صنایع محلی مورد نیاز و نیز جلوگیری از مهاجرت روستائیان به شهرها و در نتیجه صرفه جوئی در هزینه های گسترش پایگاههای نظامی و انتظامی در منطقه خالی از سکنه در این محاسبات جای ویژه ای خواهد داشت.

* Tamson.

یادداشتها و منابع

- ۱ - سیدحسن حسینی ابری، بشاگرد گذری بر جهات محرومیت منطقه، دانشگاه اصفهان، ۱۳۶۹.
- ۲ - ارقام حاصل از منابع سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۶۵ کل کشور گرفته شده، البته این ارقام به دلایل چندی کمتر از حد واقعی نشان داده شده است. از جمله، در سال ۱۳۶۹ یعنی ۴ سال بعد از سرشماری فوق ۴۶۱۹۵ نفر از اهالی منطقه تحت پوشش کمیته امداد حضرت امام خمینی (ره) بوده اند که البته تمامی جمعیت منطقه را شامل نمی شده اند. با توجه به رشد ۴/۵٪ جمعیت منطقه بشاگرد نیز طی ۴ سال جمعیت منطقه به حدود ۴۰ هزار نفر خواهد رسید. اما آمار رسمی کمیته امداد که معمولاً در چنین مناطقی نیروی جاذبه شدیدی دارد جمعیت منطقه را حدود ۷۵۰۰۰ اعلام کرده است.
- ۳ - ابعاد این محرومیت در کتاب بشاگرد گذری بر جهات محرومیت منطقه، به همین قلم تشریح شده است.
- ۴ - نقشه (۱:۲۵۰۰۰۰) سازمان جغرافیائی ارتش، سال ۱۳۴۸ و سرشماری نفوس و مسکن کل کشور سال ۱۳۵۵.
- ۵ - تا ۹ - فرهنگ آبادیهای کل کشور سال ۱۳۶۷، شهرستان میناب.
- ۱۰ - نقشه شماره (۱).
- ۱۱ - مطالعات محلی، تابستان ۱۳۷۱.
- ۱۲ - کمیته امداد حضرت امام خمینی (ره) که اکنون بیشترین فعالیت را در منطقه دارد تأکید زیادی روی باسواد کردن مردم دارد و افزایش سریع واحدهای آموزشی منطقه، احداث جاده های ارتباطی، بهداشت و درمان و بهره گیری از منابع طبیعی آب و خاک را با سرعت پیگیری می کند.
- ۱۳ - منابع سرشماری عمومی نفوس و مسکن در سال ۱۳۶۵.

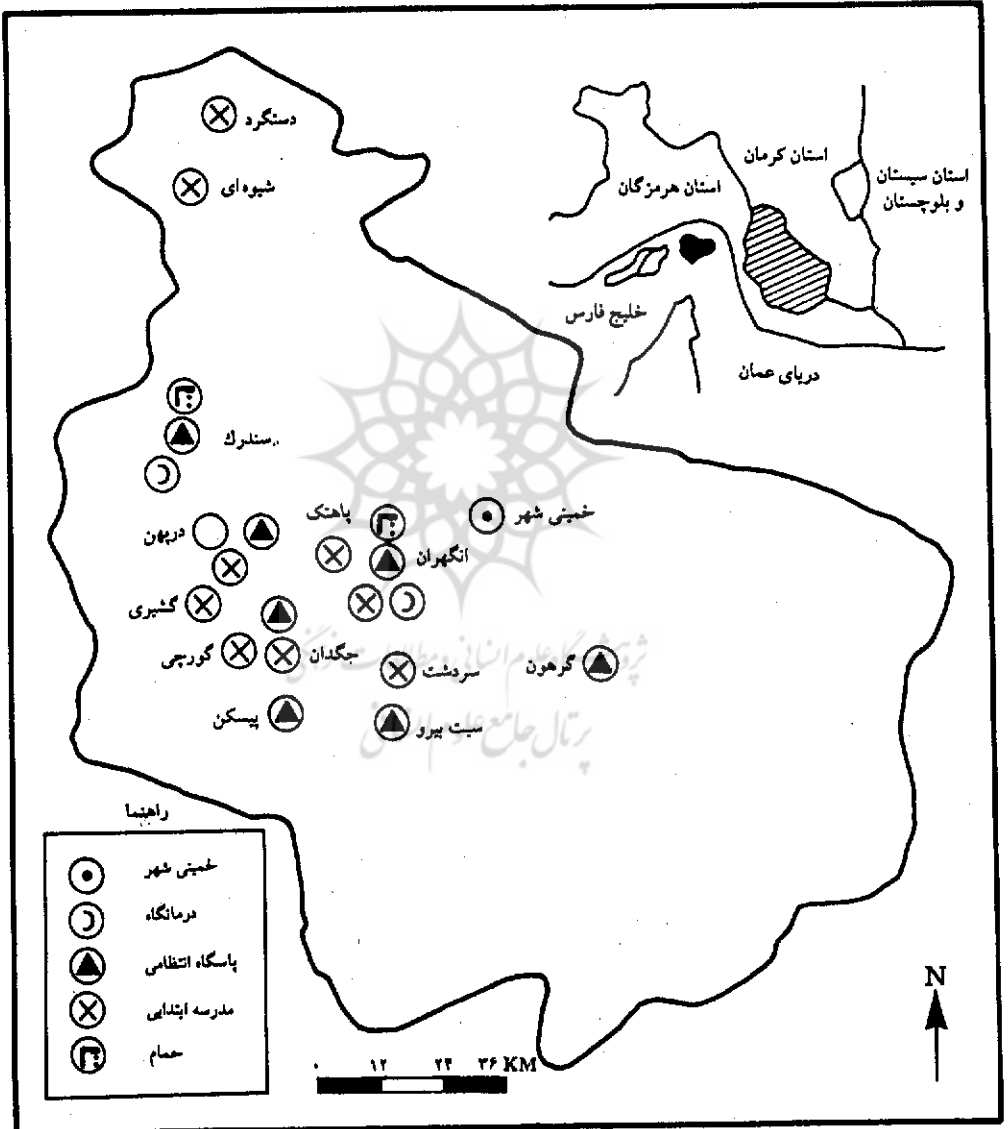
- ۱۲ - مطالعات محلی با تطبیق بر جداول مندرج در کتاب اصول تغذیه و رژیمهای غدائی، مهندس عبدالله صدیقی، انتشارات عطائی و با کمک آقای عبدالحمید گوردزی کارشناس بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان صورت گرفته است.
- ۱۵ - مطالعات محلی، برای کسب اطلاعات بیشتر در مورد تغذیه و بهداشت بشاگرد به رساله دکتر بلاغی و همکاران، دانشکده پزشکی دانشگاه شهید بهشتی سال ۱۳۷۰ مراجعه کنید.
- ۱۶ و ۱۷ - مأخوذ از نقشه زمین شناسی، Structural and Sorlid Geology map (1:500000).
- ۱۸ - سازمان تحقیقات و زمین شناسی و معدنی کشور، سال ۱۳۳۸.
- ۱۹ - آرشیو اداره هواشناسی استان هرمزگان.
- ۲۰ - سوابق آماری ایستگاههای باران سنجی انگهران و کارگاه شاهین، سال ۱۳۷۱.
- ۲۱ - همان منبع.
- ۲۲ - آرشیو اداره هواشناسی استان هرمزگان، ایستگاههای میناب، جاسک و ایرانشهر.
- ۲۳ - تحلیلی از رژیم بارندگی در ایران، مجلد رشد آموزش جغرافیا، سال سوم شماره (۱۴)، سال ۱۳۶۷.
- ۲۴ تا ۲۹ - بررسی پتانسیل هیدروکلیمائی حوضه آبریز رودخانه انگهران، هوشمند عطائی، دانشگاه اصفهان سال ۱۳۷۰، منتشر نشده.
- ۳۰ - وزارت نیرو، آمار ایستگاههای باران سنجی و تبخیر سنجی ۱۹۹۰-۱۹۹۷ (به نمودارهای ۱ تا ۵ توجه شود).
- ۳۱ - نتایج آزمایشات آبشناسی، سازمان آب منطقه ای اصفهان، نمونه هایی از آب خمینی شهر، سال ۱۳۶۹ شماره های آزمایش ۵۵۱ و ۵۵۲.
- ۳۲ - گزارش مورخه ۱۲/۷ تا ۱۲/۱۲/۷۰ آقای دکتر غیور استاد هیدرولوژی جغرافیای دانشگاه اصفهان و کارشناسان سازمان آب منطقه ای اصفهان در مورد تأمین آب خمینی شهر بشاگرد.
- ۳۳ - بررسی اثرات فعالیت کمیته امداد امام خمینی (ره) در منطقه بشاگرد، مجلد سوم، آبخیزداری، تابستان ۱۳۷۱.
- ۳۴ - این سرمایه گذاری شامل کلیه عملیات مهار آب و خاک، احداث سد های مخزنی و تأمین آب شرب سکونتگاهی است. تجربیات ۷ ساله نگارنده در امور اجرایی منطقه این رقم را تأیید می کند.

- ۳۵- این محاسبات هر هکتار سطح زیر کشت نخل خرما را ۲۵۰ اصله و مرکبات را ۱۹۶ اصله و قیمت محصولات تولیدی را به قیمت پایه ۵۰۰ ریال (هر کیلو) منظور داشته است. (قیمت خرماي خریداری شده در سال ۱۳۷۰ توسط کمیته امداد بشاگرد).
- ۳۶- بررسیهای محلی، تابستان ۱۳۷۱.
- ۳۷- تجارب ۸ ساله کمیته امداد در منطقه.
- ۳۸- بررسیهای محلی.
- ۳۹- بر اساس سرشماری عمومی سال ۱۳۶۵، اما در روستاهای نمونه گیری شده این رقم ۴/۹ نفر بوده است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

نقشه شماره (۱) توزیع جغرافیایی مجموع خدمات اجتماعی و فرهنگی منطقه
بشاگرد سال ۱۳۵۵



شهرزاد نائینی